



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۶/۲۳

سید هاشم سدید

باز هم جای شکر است!

کاش جهانی که می پندارد به حد لازم با فرهنگ و انسان شده است، و به خود این حق را می دهد که سرشته امور سایر کشور ها را در روی کره ارض به دست و در اختیار داشته باشد، واقعا" کمی انسان می شد و کمی، تنها بقدر یک خردل، مروت می داشت که اگر قصد برگشتاندن سیر تاریخ به گذشته ها را می کرد، اقلا" ما بی نواهایی فرومانده را که درد ها و رنج های نمایان و بیکران را دیده و کشیده ایم، بجای سپردن بدست این و آن به دوره های پایانی و آغازین سلطنت ظاهر شاه و جمهوری داود خان بر می گشتاند که تا حدی دوران خردورزی و اندیشه و تعقل و تساهل و تعامل، و هم کنترل هیجان ها بود. به دوران هایی می برد که در آن ها کوشش برای حل مشکلات و اختلافها صورت می گرفت، و از جنگ و جدل با خود و با بیگانه اجتناب می شد، نه به دوران جهت دادن ها - ترغیب - به کور ذهنی ها و گمراه کردن ها و خلق اختلاف ها!

معاهده آب هیرمند با ایران بر طبق تعاملات جهانی و برای زدودن رنجش ها میان کشور های افغانستان و ایران، و برای نزدیکی و تفاهم و همکاری بیشتر و همسایه داری رویهمرفته خوب میان این دو کشور، امضا شد . چند سال بعد از امضای معاهده، رئیس جمهور وقت کشور نیز با درک چنین نیازی در بازگشت از سفری به خارجهها، برای نشان دادن حسن نیت و تفاهم مزید غرض تحکیم دوستی با کشور ایران، در باب روابط نیک دو کشور و آب هیرمند گفت :

"کشور دوست و همسایه ما، ایران، باید بداند که آب هیرمند در برابر بحر دوستی ما به مثابه قطره ای هم به حساب نمی آید و..." (نقل به مضمون) .

گذشته از حسن نیت شاه و صدراعظم، نمایندگان ملت هم چهار یا پنج ماه بعد از امضای قرارداد متذکره آن را مورد تایید قرار دادند. توافقی در سال 1356، در زمانی جمهوری محمد داوود خان میان دو کشور افغانستان و ایران مبادله شد .

اینها هیچ کدام آب و خاک فروش و خائن به مملکت و مردم نبودند، بلکه با درایت و دوراندیشی کامل اوضاع جهان و منطقه و دستمایه و امکانات خود را دیده می کوشیدند با همسایه های دور و نزدیک برخوردی نکنند که در آینده دچار مشکل و ندامت شوند !

رفت و آمد سردمداران افغانی و پاکستانی به کشور های یکدیگر و تلاش برای رفع یگانه کشیدگی میان شان؛ همچنین سفر به سایر کشورها، بخصوص به کشور های عربی، کوشش های مستمری بودند که مسئولین هر دو نظام، هم نظام شاهی و هم نظام جمهوری در آن وقت برای خروج از بحرانهای تاریخی کشور، که هر روز مردم ما را بیشتر به دشواریهای رو به رو می ساخت، آغاز و ادامه می یافت - تلاشهایی که هرچند بسیار بطی بودند، کشور را به جای بریادی، بسوی آرامی، سهولت، ثبات، روشنی و امیدواریها می برد !

افغانستان به درک شرایط واقعی و ضرورت برون رفت از تهلهکه توسعه نیافتگی و دوری از مخاصمه با همسایه ها رسیده بود...؛ و یافتن راه های عملی ای که بتواند خود را آرام آرام از مخمصهها بیرون کشیده و مردم را از چنگال هزار مرض مدهش نجات دهد - بر بنیاد نیاز عصر و حکم عقل و وظیفه !

ما را بدان دوران می بردند؛ با درکی مبتنی بر این سنجش که: "چیزی را که برای خود نمی پسندی، برای دیگران می پسند!" و "زندگی کن و بگذار زندگی کنیم" ...

همان گونه که ما برای حمل و نقل کالاهای ضروری خود از/به پاکستان، طالب این حق بودیم، منحیت یک کشور محاط به خشکه، که مطابق پیمان های دو جانبه و قوانین بین المللی به ما اجازه بدهد که از جاده ها و بنادر این کشور

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

برای تجارت و ترانزیت استفاده کنیم، یا از ایران و تاجکستان و روس و چین و و و، دیگران هم از چنین حق و امکاناتی بنوبه خود و در موارد دیگر باید برخوردار باشند .

معنی دوستی، تفاهم و تعامل، به مثابه انسان های آگاه، صاحب عقل و دارای صله رحم، تنها با داشتن چنین "نیات" و دست یازیدن به چنین "اعمال"ی است که تبارز و حقیقت پیدا می کند !

در باب آب بیشتر از یکصد کشور در جهان با همسایه های خویش همین مشکل را دارند که ما با کشورهای ایران و پاکستان و قسما" با تاجکستان و ازبکستان داریم، یا تاجکستان و پاکستان و ازبکستان و ایران با ما دارند - از بنگله دیش و سوریه و عراق و ترکیه و مصر و هند گرفته تا اریتریا و سومالی و... همه به نحوی از انحا و شکلی از اشکال با هم مشکل دارند !

کنفرانس های متعدد، به سطح دولت ها - گاهها" - با کوشش سازمان ملل متحد، با درک این مشکل که مشکل آب امری ست طبیعی و حل آن واجب، چندین مرتبه در کشور های متعدد، بدون کاربرد اصطلاح "حقابه"، به گفته برخیها، برای یافتن راه هایی برای گریز از قهر سفیه هیولای کم آبی و قحطی، زجر تحمل ناپذیر گرسنگی و بالاخره نجات جان میلیونها انسان از مرگ های دلخراش دایر شده است .

ابراز کلمات "منصفانه"، "دوستانه"، "با توجه به حسن همجواری" و "همسایه داری نیک" و... در صورت جلسات ضبط شده اینها در واقع، قائل شدن "حق" یا "سهم" آبی است از آب های کشور های فرادست برای کشوری که در حوزه های فرودست جریان های آبی آن کشور (ها) واقع شده اند .

فرمان محمد ظاهر شاه، امضای معاهده توسط محمد موسی شفیق، به صورت کل آمدگی افغانستان برای رفع این مشکل (که عمری بیش تر از ی کصد و پنجاه سال دارد) از راه انسانی - قانونی و متداول، از درک درست و عقلانیت سالم آن ها و از ضرورت رفع این مشکل به شکل ممکن، انسانی و نیکمنشانه منشا می گرفت .

هیچ یک از این اشخاص نمی خواست گره دست را با دندان باز کند. اوضاع جهان، بخصوص وضع اسفبار ما چنین ایجاب میکرد - و می کند - که با جهان، بخصوص با همسایه های خویش مدارا کنیم و تعامل داشته باشیم. به همین دلیل مسئولان هر دو نظام در قسمت آب هیرمند همان کاری را کردند که باید می کردند!

جنگ برای آن ها - در نهایت برای مردم افغانستان - علاوه بر اینکه سودی نداشت و راه حل مشکل پنداشته نمی شد، وسیله تخریب ملک، خرابی اقتصاد، گسترش فقر و تداوم رنج در کشور نیز به حساب می رفت !

فراموش نکنیم که اصطلاح حقابه، در جهان معمول بوده باشد یا نه، در "معاهده" بکار رفته است؛ همان معاهده ای که محمد موسی شفیق، به قول خیلی از افغان ها باهوش ترین صدراعظم از جمله صدراعظم کشور، آن را امضا کرده است .

حقابه(یا هر نام دیگری که روی آن بگذارید) در معاهده، ما بخواهیم یا نخواهیم، از نظر لغوی معنی همان مقدار آبی را میدهد که برای طرفین- افغانستان و ایران - از آب دریای هیرمند در عهدنامه تعیین گردیده بود .

منشای شر و فساد و خصومت، در خود آب (فی نفسه در ذات آب. در وجود مادی آب) بود، نه در نام آن! حلوا را باید خورد تا دهن شیرین شود. با حلوا، حلوا گفتن، هر چند عمری آن را تکرار کنیم، دهن شیرین نمی شود ...

صرف نظر از این، تعریف مقولها غالباً" به قدر کافی گویا و رسا نیستند. پرداختن و پیچیدن بدان ها بعضاً"، غیر از بگو و مگو و فلسفه بافتن، بخصوص در برخورد های کژروانه، کسی را به مقصد نمی رساند . بطور مثال :

بهترین و ساده ترین و گویاترین تعریف از "بی عدالتی" را کسی میفهمد و درک می کند، با پوست و گوشت و استخوانش، که بعد از چندین سال جان کندن برای یک ارباب ستمگر، نه تنها آنچه را باید تحصیل کند، تحصیل نمی کند، بلکه ده بیست تا دشنام و پنج - شش تا پس گردنی و لگد هم می خورد !!

دیدار هیات طرفین، در صورتی هم میانجیگری طرف سوم، در معاهده پیش بینی شده است. قبول مواد و شرایط معاهده، در واقع قبول نشستن و گفت و گو کردن و حل مشکل از راه تفاهم هم است و حکم عقل!

شنیدیم سخنگوی رسمی امارت اسلامی گفته است که هیئت ایرانی می توانند تنها از همان جاهایی دیدن کنند که در عهدنامه قید شده است. چنین نظر و موقف از سوی طالب؛ نشان از هوشیاری آنها دارد .

طالب قضایا را کارشناسانه و با دقت ارزیابی می کند، چون می داند کوچک ترین اشتباه از ایشان یا از ایرانیها میتواند منتج به جنگ شود. ، جنگی که با گفتن یک

"متاسفم" خسارات و پی آمد های آن را نمی توان جبران کرد !

طالب، خلاف نظر خلیها، بخصوص خلاف حرف و نظر "میان بهم زنان" و ماهی گیران از آبهای گل آلود"، طوری که دیده می شود، با سنجیدگی، تأمل و تدبیر لازم به فرجام مسئله می نگرند .

چرا و به چه دلیل باید باوجود توافقنامه، ما کاری کنیم که در آن تصریح نشده است؟

ما منکر توافقنامه نیستیم. آنچه ما میخواهیم، تطبیق مو به موی توافقنامه است. کجای این سخن نادرست است؟ دیپلوماسی طالب ها در این ارتباط خیلی ها بهتر از آنی ایرانی ها است: رجوع به اسناد معتبر، نه توسل به زور.

تعامل و دیپلوماسی، نه لشکر کشی و بزن و بکوب .

امید این گونه تلاش های سازنده از سوی طالبان در همه ساحات و هر چه فزون تر افزایش یابد؛ از جمله در گشودن درهای مکاتب/پوهنتونها برای دختران، صدور اجازه کار برای زنان و ایجاد یک اداره فراگیر(البته، و صد البته)بدون حکمتیار ها و دوستم ها و خلیلی ها و کرزی ها و مسعود ها و ربانی ها و نور ها و عبدالله ها و آنهایی که دهن جوالها را برای اینها می گرفتند...

از همه آخر، ولی مهم تر :

و کنار آمدن با جامعه جهانی، برای نجات از تحریمها و خروج از انزوا و برخاستن از خاک و زبونی!!